

دکتر دیوید ای. دسیلوا

جلسه دوم پیتر و جود

جلسه سوم

نویسنده سرانجام به پرسش‌هایی که معلمان رقیب مطرح کرده‌اند، می‌پردازد، اما پیش از آن، ورود آنها را به گونه‌ای مطرح می‌کند که اعتماد به پیام آنها و همچنین حسن نیتشان را تضعیف می‌کند. ظهور این شکاکان غیرمنتظره نبود عزیزان، من در حال حاضر این نامه دوم را برای شما می‌نویسم، که در آن با یادآوری، ذهن‌های صادق شما را به یاد سخنان پیامبران مقدس که از قبل گفته شده و فرمان رسولان خداوند و نجات‌دهنده برای شما، برانگیخته‌ام.

اولاً، با علم به این که در آخرالزمان، تمسخرکنندگانی با تمسخر خود خواهند آمد و مطابق امیال خود رفتار خواهند کرد و خواهند گفت: «این وعده کجا می‌آید؟» «زیرا از زمانی که پدران درگذشتند، همه چیز از ابتدای خلقت به همین منوال ادامه دارد. آنچه یهودا به عنوان روایتی که توسط رسولان به جماعت‌هایش در آخرالزمان منتقل شده بود نقل کرده بود، تمسخرکنندگانی خواهند بود که به دنبال امیال بی‌خدای خود می‌روند، نویسنده ما مستقیماً بر لبان پطرس می‌آورد، که در واقع ممکن است از نظر تاریخی منبع مهمی از این هشدار خاص بوده باشد. با این حال، در اینجا، هدف خاص این تمسخرکنندگان، امید آخرالزمانی کلیسای اولیه است که مسیح دوباره در داوری و قدرت خواهد آمد تا پادشاهی ابدی خدا را در حوزه انسانی آغاز کند.

بار دیگر، این نشان می‌دهد که معلمان شکاک مسیحی تا حدودی مجذوب استدلال‌های اپیکوریان علیه ترس از عذاب الهی شده بودند. یکی از استدلال‌های اصلی آنها، کندی خدایان در مجازات افراد شرور، اگر اصلاً به آن روی می‌آوردند، بود. پلوتارک، با بیان کسی که مجذوب اپیکور شده بود، می‌نویسد: به نظر من، تأخیر و تعلل خداوند در مجازات افراد شرور، گویاترین استدلال علیه مشیت الهی است.

کندی او ایمان به مشیت الهی را از بین می‌برد. به نظر این شکاکان، تجربه همچنین نشان داده است که امید مسیحیان پوچ بوده است، زیرا نسل حواریون مسیح بدون هیچ نشانه‌ای از بازگشت دوباره مسیح، همانطور که او وعده داده بود، سپری شده است. موضوع یادآوری یا فراخواندن مخاطبان به یادآوری، در آیات ۱: ۳-۴ دوباره مطرح می‌شود. می‌توانیم ظهور آن را در آیات ۱: ۱۲-۱۵ نیز به یاد آوریم. و این نکته مهمی است.

این بار دیگر به مخاطبان هشدار می‌دهد که آنچه در این نامه می‌شنوند، مطلب جدیدی نیست، بلکه بخشی از پیام رسولی است که هنگام ایمان آوردن پذیرفته بودند. آنها در آن زمان، گویی، به کل راز ایمان، مسیح مصلوب شده مسیح برخاسته، مسیح دوباره می‌آید، متعهد شده بودند. شکاکان در میان آنها، نوآورانی هستند که آنچه را که شنوندگان به عنوان وحی الهی دریافت کرده بودند، به چالش می‌کشند و بنابراین، باید با یادآوری این تعهد سابق ثبات خود را در ایمانشان بازبند و اجازه ندهند که توسط آن معلمان رقیب که خودشان نتوانسته بودند در ایمان پایدار بمانند، تحت تأثیر قرار گیرند.

نویسنده همچنان به میراث مشترک کتاب مقدس آنها دست می‌برد تا آنها را از نو در اعتقادات اصلی‌شان ریشه‌یابی کند. زیرا آنها، یعنی کسانی که در مورد داوری و بازگشت دوباره پرسش‌هایی مطرح می‌کنند، عمداً این نکته را نادیده می‌گیرند که آسمان‌ها و زمین مدت‌ها پیش از آب و به وسیله آب، توسط کلام خدا بنا نهاده شدند، و به همین دلیل جهان، آنگونه که در آن زمان بود، نابود شد و غرق در آب گردید. و آسمان‌ها و زمین کنونی نیز توسط همان کلام ذخیره می‌شوند و برای روز داوری و نابودی قوم بی‌خدا نگه داشته می‌شوند.

نویسنده کیهان‌شناسی منعکس شده در پیدایش ۱ را یادآوری می‌کند که طبق آن، خداوند هنگام آفرینش آسمان یا فلک، مجبور بود با تقسیم آب‌ها به گونه‌ای که آب‌هایی در بالا و آب‌هایی در زیر گنبد آسمان وجود داشته باشد برای آن فضایی ایجاد کند. سپس خداوند آب‌های زیر آسمان را در مکان‌های محدود گرد هم آورد تا برای زمین خشک، یعنی زمین، فضا ایجاد کند و آن را بیافریند. تا قرن اول، چنین دیدگاهی از کیهان، به ویژه این ایده که آب‌هایی در بالای آسمان وجود دارد و آسمان نوعی گنبد مادی است، مدت‌ها کنار گذاشته شده بود.

با این وجود، یادآوری این جزئیات برای نویسنده استراتژیک بود، زیرا آنچه که توسط کلام خدا از آب‌ها بیرون آورده شد، که برای وجود خود به کلام خدا وابسته بود، مطمئناً می‌توانست دوباره توسط کلام خدا غرق شود، همانطور که طبق تاریخ مقدس ثابت شده است. البته نکته نویسنده این است که هیچ نیروی قدرتمندتر یا قابل اعتمادتر از کلام خدا نیست، زیرا خود خلقت به همان کلام وابسته است. بنابراین، کلامی که خدا از طریق پیامبران خدا در مورد انحلال آینده کیهان توسط آتش، همانطور که در اشعیا 66، 14 تا 16، و ملاکی 4، آیه 1، و آماده‌سازی آسمان‌ها و زمین جدید همانطور که در اشعیا 65، 17 آمده است، گفته است، همچنین قابل اعتمادتر و محکم‌تر از خود کیهان خواهد بود، چیزی که به گفته نویسنده ما، شکاکان عمداً از آن چشم‌پوشی می‌کنند.

وقایع پیدایش ۶ تا ۹، پیشینه‌ای تاریخی را ارائه می‌دهد که این انتظار را کاملاً معتبر می‌سازد. تا قرن اول، این اعتقاد که خداوند جهان مسکونی را برای بار دوم و با آتش نابود خواهد کرد، در میان قوم یهود رواج یافته بود. برای مثال یوسفوس روایتی را نقل می‌کند که آدم پیش‌بینی کرده بود، جهان یک بار با نیروی آتش و بار دیگر با خشونت و کمیت آب نابود خواهد شد.

ایده آتش‌سوزی کیهانی توسط مکتب فلسفی رواقی نیز پذیرفته شده بود، اگرچه در آنجا این آتش‌سوزی بخشی از چرخه بی‌پایان خلقت و نابودی بود. نویسنده ما به دیدگاه خطی‌تری که در محافل یهودی ترویج می‌شود، پایبند است. پس از آتش‌سوزی قریب‌الوقوع، ابدیتی بی‌کران در خلقتی نو از پی آن خواهد آمد.

نویسنده دو ملاحظه دیگر را در حمایت از ایمان رسولی اضافه می‌کند که شامل انتظار راسخ از مداخله قاطع آینده در امور انسانی از جانب خداوند است. در واقع، نویسنده ما شاید از فهمیدن اینکه پایان جهان تقریباً ۲۰۰۰ سال بعد فرا نمی‌رسد، چندان متعجب نشده باشد. او تقریباً این را هنگام نوشتن پیش‌بینی کرده بود، اما عزیزان، این یک چیز را از نظر دور نکنید، یعنی اینکه در تجربه خداوند، یک روز به اندازه هزار سال و هزار سال به اندازه یک روز است.

خداوند وعده را به تأخیر نمی‌اندازد، چنانکه برخی آن را تأخیر می‌دانند، بلکه با شما صبر می‌کند، زیرا نمی‌خواهد کسی هلاک شود، بلکه می‌خواهد همه به توبه روی آورند. و روز خداوند مانند دزد فرا خواهد رسید، که در آن آسمان‌ها با سرعت زیادی از بین می‌روند، و عناصر در حالی که سوخته می‌شوند، متلاشی می‌شوند، و زمین و تمام آثار آن آشکار خواهد شد. اولین ملاحظه از فاصله بین تجربه خدا از زمان به عنوان موجودی جاودانه، ابدی و بی‌زمان و تجربه ما از زمان به عنوان موجوداتی فانی، محدود و زمانمند ناشی می‌شود.

این واقعیت که می‌توان شنید که این عبارت از متن معتبری مانند مزمو ۹۰، آیه ۴ گرفته شده است، وزن بیشتری به آن می‌بخشد. در آنجا می‌خوانیم: «هزار سال در نظر شما مانند دیروز است که گذشته است.» نویسنده یهودی، کتاب یوبیل، تفسیری جامع از پیدایش ۱ تا خروج ۱۴، که معمولاً به اوایل قرن دوم پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد، نیز به همین متن برای پرداختن به برداشت از تأخیر متفاوت در عذاب الهی استناد کرده است.

یعنی، برای پاسخ به این انتقاد که آدم و حوا در واقع در روزی که از میوه درخت دانش خوردند، همانطور که خدا در پیدایش ۲:۱۷ تهدید کرده بود، نمرند. نویسنده یوبیل‌ها راه حل را در ارتباط با مرگ آدم در سن ۹۳۰ سالگی و تجربه خدا از زمان می‌یابد. و بنابراین در یوبیل‌ها می‌خوانیم که آدم درگذشت و از ۱۰۰۰ سال، ۷۰ سال کم آورد.

زیرا هزار سال در گواهی آسمان مانند یک روز است، و از این رو درباره درخت دانش نوشته شده است که روزی که از آن بخوری، خواهی مرد. بنابراین، او سال‌های روز خود را کامل نکرد زیرا در آن روز مرد. کندی نسبی است، اما این نیز سودمند است که چنین باشد.

تأخیر ادعایی روز داوری به این معنی است که هنوز جایی برای توبه، آشتی با خدا و ریشه دواندن عدالت در زندگی فرد وجود دارد. هر روزی که پایان فرا نرسد، نشانه‌ی تنبلی یا عدم تعهد خدا نیست، بلکه نشانه‌ی رحمت و عشق خدا به گناهکاران است. پلوتارک، مقاله‌نویس یونانی با گرایش به فلسفه که در اوایل قرن دوم میلادی فعال بود، در حالی که به دنبال پاسخ به انتقادات اپیکوری‌ها از باور سنتی مبنی بر پاسخگو بودن انسان‌ها در برابر الهی بود، نظر مشابهی را ارائه می‌دهد.

پلوتارک پس از جلب توجه به شیوه‌های مختلف تجربه زمان توسط انسان‌ها و خدا، که برای او هر طول عمر انسان چیزی جز هیچ نیست، می‌نویسد که، نقل قول از او، خداوند مجازات‌های خود را برای آینده نگه می‌دارد و از روی

مهربانی و بزرگواری منتظر گذشت زمان می‌ماند. او این کار را می‌کند تا جایی برای توبه باز کند، زیرا تأخیر در مجازات دوره‌ای از لطف و بخشش است. نویسنده کتاب «حکمت سلیمان»، اثری یهودی هلنیستی مربوط به حدود آغاز این دوران، همچنین بیرون راندن تدریجی و آهسته کنعانیان توسط خداوند را پیش از عبرانیان، نشانه‌ای از صبر و شکیبایی بخشنده خداوند می‌داند.

اگرچه تو قادر نیستی همه آنها را یکباره با ترساندن حیوانات وحشی یا کلام تند خود نابود کنی، و آنها را کم کم داوری می‌کنی، به آنها فرصت توبه دادی. اگرچه تو در قدرت حاکم هستی، اما با ملایمت و بردباری فراوان داوری می‌کنی. تو بر ما حکومت می‌کنی، زیرا هر زمان که اراده کنی، قدرت عمل داری. این امر به ویژه از این جهت جالب است که روایت کتاب مقدس انگیزه بسیار عملی‌تری را ارائه می‌دهد.

خداوند ساکنان اولیه را کم کم بیرون راند تا زمین توسط حیوانات وحشی مورد هجوم قرار نگیرد و باعث ایجاد شکاف در حاصلخیزی زمین نشود. البته، پولس رسول نیز تعلیم داده بود که عدم ظهور روز داوری، نتیجه مهربانی خداوند و فرصتی برای همسو شدن با عدالت خداوند در امروز است، فرصتی که نباید آن را دست کم گرفت. بنابراین در رومیان می‌خوانیم: آیا فراوانی مهربانی، بردباری و صبر او را ناچیز می‌شمارید، غافل از اینکه مهربانی خداوند شما را به توبه سوق می‌دهد؟

این واقعیت که روز خداوند هنوز فرا نرسیده است، نشانه‌ای از بی‌توجهی خداوند به بی‌عدالتی و شرارت انسان‌ها نیست. بلکه نتیجه‌ی شخصیت خدایی است که دیرخشم و سرشار از عشق پایدار است. با این وجود، نویسنده تأکید می‌کند که آن روز فرا خواهد رسید.

او از تصویری آشنا در محافل اولیه مسیحیان آن زمان استفاده می‌کند که مانند یک دزد می‌آید، غیرمنتظره و بدون هشدار، و احتمالاً مردم را غافلگیر می‌کند و به ضررشان تمام می‌شود. به یاد داریم که خود عیسی نیز از این تصویر در یک تمثیل در انتهای متی ۲۴ استفاده کرده است. اما این را بدانید: اگر صاحب خانه می‌دانست دزد در چه ساعتی از شب می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت به خانه‌اش دستبرد بزنند.

پس شما نیز باید آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظارش را ندارید. پولس این تصویر را در اندرزهای خود به مسیحیان تسالونیکی آورد. شما به خوبی می‌دانید که روز خداوند مانند دزد در شب خواهد آمد.

در حالی که مردم از صلح و امنیت سخن می‌گویند، نابودی ناگهان بر آنها نازل خواهد شد، مانند درد زایمان بر زن باردار، و آنها فرار نخواهند کرد. اما شما، برادران و خواهران، در تاریکی نیستید که این روز مانند یک دزد شما را غافلگیر کند. ما آن را یک بار دیگر از زبان عیسی به عنوان هشدار می‌شنویم که در روایت ریختن هفت کاسه‌ی رستگاری خشم خدا در مکاشفه ۱۶ گنجانده شده است، خواهیم شنید.

بنگرید، من مانند یک دزد می‌آیم. خوشا به حال کسی که همچنان مراقب باشد و لباس خود را حفظ کند تا برهنه راه نرود و شرمساری‌اش آشکار نشود. نویسنده ما در فصل ۳، آیه ۱۰، با زبانی زنده توصیف می‌کند که چگونه، با ناگهانی بزرگ در آن روز، این کیهان مادی حاضر و به ظاهر ابدی، در دیدار خدا به نیستی خواهد گرایید.

بند آخر برخی چالش‌های متنی را مطرح می‌کند، تا حد زیادی به این دلیل که کاتبان در درک معنای نویسنده مشکل داشتند و مجبور شدند تغییرات روشن‌کننده خود را ارائه دهند. به نظر می‌رسد بهترین قرائت، و زمین و کارهایی که در آن انجام شده است، پیدا یا کشف خواهد شد، یعنی، به طور کامل در معرض دید قرار خواهد گرفت، گویی در برابر کرسی قضاوت خدا. کاتبان مطمئن نبودند که کدام یک از قرائت‌ها بهترین یا واضح‌ترین هستند، بنابراین «نسخه‌های خطی را می‌یابیم که به دلیل از بین رفتن زمین پیدا نمی‌شوند، و نسخه‌های خطی دیگری که فعل «یافتن» را به طور کامل به نفع فعل «سوختن» یا ترکیب این دو حذف می‌کنند، نابود می‌شوند.

کدکس سینائی و کدکس واتیکان، دو متن کامل و مهم اولیه عهد جدید، در واقع تقریباً کل کتاب مقدس از قرن چهارم میلادی، کدکس سینائی و واتیکان متفق‌القولند که تصویر کلامی که نویسنده در اینجا به دنبال آن است، از تمام ساکنان زمین و اعمالی است که انجام داده‌اند، در برابر بررسی دقیق خدا، در حضور خدا بدون واسطه و فیلتر نشده توسط آسمان و آسمان‌های مداخله‌گر که معمولاً برای ایجاد حجاب، به اصطلاح پرده‌ای، بین ما و روشنائی غیرقابل تحمل حضور جلال خدا در نظر گرفته می‌شدند. با این حال، در آن روز، ما دقیقاً و به طور کامل جلال و قدرت

کسی را که به او احترام گذاشته‌ایم یا کسی را که از او بیزار بوده‌ایم، خواهیم شناخت. برای نویسنده ما، محکومیت و رفتار دست در دست هم پیش می‌روند.

او از یک عقیده‌ی الهیاتی صرف که تنها به پذیرش ذهنی نیاز دارد، دفاع نکرده است. او بر یک قطب‌نمای ضروری برای جهت‌یابی موفقیت‌آمیز در چالش‌ها و فرصت‌های این زندگی تأکید مجدد کرده است. نگاه به افق مداخلات، آینده‌ی خداوند چه تأثیراتی بر مسیر فعلی زندگی ما دارد؟ با توجه به اینکه همه این چیزها به این شکل نابود می‌شوند شما چه نوع افرادی باید باشید که در رفتار مقدس و تقوا، مشتاقانه منتظر و حتی تسریع‌کننده‌ی ظهور روز خداوند باشید، روزی که به موجب آن آسمان‌ها با سوختن نابود می‌شوند و عناصر با سوختن از بین می‌روند، در حالی که ما، مشتاقانه منتظر آسمان‌های جدید و زمین جدیدی هستیم که در آن عدالت، طبق وعده‌ی او، ساکن است؟ بنابراین ای عزیزان، در حالی که مشتاقانه منتظر این امور هستید، تمام تلاش خود را بکنید تا در او در آرامش بی‌عیب و نقص یافت شوید و صبر خداوند ما را نجات بدانید، همانطور که برادر عزیزمان پولس با توجه به حکمتی که به او عطا شده است، به شما نوشت و در مورد این چیزها همانطور که در تمام نامه‌هایش آمده است، سخن می‌گوید. در این نامه‌ها چیزهایی وجود دارد که فهمیدن آنها دشوار است و افراد بی‌علم و ناپایدار آنها را مانند سایر کتب مقدس، به هلاکت خود تحریف می‌کنند.

پس شما عزیزان، از آنجایی که از پیش آگاهی دارید، مراقب خود باشید تا با گمراهی افراد بی‌قانون، از ثبات خود سقوط نکنید، بلکه همچنان در لطف و معرفت پروردگار و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح، که جلال از آن اوست، هم اکنون و هم تا روز ابدی، رشد کنید. با وجود تمام تمرکز او بر آینده، بر آخرت‌شناسی، برای استفاده از برچسب‌های کلامی استاندارد، نویسنده هیچ علاقه‌ای به گمانه‌زنی در مورد زمان آمدن مسیح، نشانه‌هایی که ممکن است قبل از داوری خدا باشد، و هر روایت آخرالزمانی که ممکن است در هر تعداد سال گذشته آشکار شود، نشان نمی‌دهد. علاقه او کاملاً به این است که نگاه به آن افق چه تأثیری بر اینجا و اکنون دارد.

آنچه که به یک اعتقاد اعتقادی تبدیل می‌شود، اینکه او دوباره با جلال خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری کند و پادشاهی او پایانی نخواهد داشت، مانند یک لیزر کانونی عمل می‌کند که به لحظه حال وضوح می‌بخشد. آنچه اکنون اهمیت دارد، همسو شدن با تقدسی است که خداوند همواره در قوم خود جستجو کرده است. آنچه اکنون اهمیت دارد، تقوا یا خداترسی است، فضیلتی که در میان مردمانی با پیشینه یونانی، رومی یا یهودی بسیار مورد ستایش قرار گرفته است.

این به معنای ادای حق خدا به خدا، توجهی که شایسته خداست، احترامی که شایسته خداست، اطاعت و خدمتی که شایسته خداست، می‌باشد. با توجه به ارزش نسبی خلقت کنونی که قرار نیست پایدار بماند، و ارزش نسبی آن با خلقت جدید که تا ابد پایدار خواهد ماند، هوشمندانه‌ترین سرمایه‌گذاری‌هایی که می‌توانیم در زمان حال انجام دهیم سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که ما را به سمت تبدیل شدن به افرادی سوق می‌دهند که خود را در قلمرویی که عدالت در آن خانه دارد، در خانه خواهند یافت. نمی‌توان نقشه‌ای را که نویسنده در پاراگراف آغازین بدنه نامه خود ترسیم کرده است، به یاد نیاورد.

با نگاهی به گذشته و پاک شدن ما از گناهان گذشته‌مان توسط مسیح، و با نگاهی به آینده و مداخله خداوند برای پایان دادن به این نظم جدید، متأسفم، برای پایان دادن به این نظم فعلی و ایجاد جا برای نظم جدید خداوند، واضح است که ما به چه چیزی بیشتر از همه به نفع خود خواهیم بود. تعالی اخلاقی، دانش، خویش‌داری، استقامت، زندگی خدامحور، عشق به خواهران و برادرانی که خداوند در مسیح به ما داده است، و عشق به هر آنچه که عشق خداوند به آنها را منعکس و تجسم می‌کند. به نظر می‌رسد نویسنده با تعدادی از نامه‌های پولس، فراتر از نامه رومیان، که در واقع در مورد تمایل خداوند به توبه مردم به عنوان دلیل صبر و شکیبایی خداوند صحبت می‌کند، آشنا است.

با این حال، در بسیاری از نامه‌های پولس، این رسول از مخاطبان خود می‌خواهد که تمام تلاش خود را بکنند تا در آرامش در او بی‌عیب و نقص و بی‌عیب باشند. در واقع، او اغلب بی‌عیبی را در روز ملاقات مسیح به عنوان هدف اصلی قرار می‌دهد که نوکیشان باید به تلاش خود برای آن ادامه دهند. بنابراین، به عنوان مثال، او به دوستانش در فیلیپی می‌نویسد: «دعای من این است که عشق شما بیشتر و بیشتر با دانش و بینش کامل لبریز شود تا به شما در تعیین بهترین چیز کمک کند، تا در روز مسیح پاک و بی‌عیب باشید و محصول عدالتی را که از طریق عیسی مسیح برای جلال و ستایش خدا حاصل می‌شود، به دست آورید.»

و او برای نوکیشان خود در تسالونیکي دعا می‌کند، باشد که قلب‌های شما را در تقدس چنان تقویت کند که در هنگام آمدن خداوند ما عیسی با همه مقدسینش، در حضور خدا و پدر ما بی‌عیب باشید. با توجه به این تأکید مشترک نویسنده ما و پولس، و سوسه‌انگیز است که سعی کنیم استنباط کنیم که چگونه نویسنده معتقد بوده است که دیگران مفهوم نامه‌های پولس را در جهتی تحریف کرده‌اند که برای سلامت معنوی آنها و دیگران مخرب بوده است. یک احتمال می‌تواند تحریف پیام پولس باشد که پولس با آن مبارزه کرده بود.

همانطور که او در رومیان ۳ می‌نویسد، یا همانطور که ما را به اشتباه معرفی می‌کنند و همانطور که برخی ادعا می‌کنند ما اعلام می‌کنیم، آیا باید کارهای بد انجام دهیم تا چیزهای خوب از آن حاصل شود؟ در واقع، به نظر می‌رسد پولس مشتاق است در طول فصل‌های ۳ تا ۸ رومیان نشان دهد که اعلام لطف خدا نسبت به همه، جدا از جایگاه یک شخص در تورات، جایی برای گناه یا حتی بی‌تفاوتی در مورد سرمایه‌گذاری خود در کارهای عادلانه و خوب باقی نمی‌گذارد. همانطور که او در رومیان ۶ می‌نویسد، آیا باید به گناه ادامه دهیم تا فیض الهی بیشتر و فراوان‌تر شود؟ اصلاً نه. اگر یعقوب ۲ آیات ۱۴ تا ۲۶ اصلاً پاسخی به اعلام پولس باشد، پاسخی به تحریف انجیل توسط شخص ثالث یا استنباط‌های نادرستی است که شخص ثالثی انجام داده است.

زیرا خود پولس و یعقوب کاملاً در مورد لزوم تجلی ایمان در اعمال محبت‌آمیز و عادلانه، به عنوان ایمان، اتفاق نظر داشتند. و پولس باید در افسسیان ۵ به مؤمنان آسیای صغیر هشدار دهد که این را با یقین بدانند که هیچ شخص فاسدالاخلاق یا ناپاک یا طماع که بت‌پرست باشد، در پادشاهی خدا و مسیح میراثی ندارد. نگذارید کسی شما را با سخنان پوچ فریب دهد، زیرا به دلیل این چیزها، خشم خدا بر فرزندان نافرمانی نازل می‌شود.

نویسنده ما معتقد است شکاکانی که نویسنده ما با آنها مخالف است، به دلیل تلاش برای ایجاد گناه و خودارضایی در زندگی مسیحیان با سخنان پوچ خود، گناهکار نیز هستند. برخی از محققان، اشاره نویسنده ما به نامه‌های پولس در کنار سایر متون مقدس یا بقیه متون مقدس را بسیار مورد توجه قرار داده‌اند و معتقدند که این نشانه‌ای است که رساله دوم پطرس در واقع در قرن دوم پس از جمع‌آوری نامه‌های پولس و ارتقاء آنها به جایگاه کتاب مقدس در کنار کتب مقدس عبری نوشته شده است. اگرچه این احتمال را نمی‌توان رد کرد، اما من در شنیدن این متن به این شکل رسمی مردد خواهم بود.

با نزول جدید روح و قطعیت حضور خدا در میان جوامع ایمانی جدیدی که پیرامون حواریون شکل گرفته بودند، من فکر نمی‌کنم که مدت زیادی طول کشیده باشد تا جماعت‌ها نامه‌های شبانی را که میراث رسول برای غیریهودیان بود به اشتراک بگذارند، جمع‌آوری کنند و به آنها احترام بگذارند. همچنین در مورد این فرض محتاط هستم که اصطلاح کتاب مقدس «برای متونی در نظر گرفته شده است که نوعی فرآیند رسمی برای بررسی وضعیت قانونی خود را» پشت سر گذاشته‌اند، نه اینکه معنای آزادتری از شناسایی اسناد بنیادی و شکل‌دهنده مانند نامه‌های رسول را داشته باشند، و این امر پس از مرگ او نیز بیشتر شده است. آیه آخر به طور خلاصه دو تذکر نویسنده را برای مخاطبانش بیان می‌کند.

از یک سو، از آنجایی که آنها در مورد مداخله قریب‌الوقوع خداوند و خطرات مربوط به آن از قبل هشدار داده شده‌اند، باید توجه دقیقی به مراقبت از خود داشته باشند. آنها اکنون با نسل خاصی از شکاکان روبرو هستند. آنها با معلمان خودخوانده دیگری روبرو خواهند شد که جنبه‌های دیگر ایمان را که یک بار برای همیشه به آیندگان سپرده شده است، به چالش می‌کشند.

ضروری است که آنها اجازه ندهند که این امواج خطا و نوآوری، آنها را از موضع ثباتشان در ایمان و عمل به شیوه زندگی که ایمان آنها را در آن قرار داده است، منحرف کند. می‌توانیم دوباره به پاراگراف آغازین فصل ۱، آیات ۳ تا ۱۱ فکر کنیم. به طور مثبت، نویسنده آنها را فرا می‌خواند تا در لطف و معرفت پروردگار و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح رشد کنند.

این لطف و دانش احتمالاً نباید به عنوان جهتی که رشد در آن رخ می‌دهد تلقی شود، بلکه باید به عنوان وسیله، ابزار یا شیوه‌ای که رشد در آن رخ می‌دهد، تلقی شود. این رشد، کمال دگرگونی است که لطف مسیح نسبت به ما به آن قدرت می‌بخشد و دانش ما، چه در مورد مسیح و چه از مسیح، آن را هدایت و شکل می‌دهد. در نهایت، این تنها هدفی است که اهمیت خواهد داشت.

امروزه، این هدفی است که باید بیش از همه مد نظر قرار گیرد و در اولویت قرار گیرد، زیرا همه این چیزها به پایان خواهد رسید. از شما بابت همراهی با من در این دوره آموزشی در مورد رساله دوم پطرس متشکرم. در حالی که ما مسئله نویسنده را بی‌پاسخ گذاشته‌ایم، با توجه به داده‌های خود نامه، دو سناریو به عنوان محتمل‌ترین گزینه‌ها پدیدار می‌شوند.

اول اینکه پطرس، با علم به نزدیک بودن مرگش، به یکی از دستیاران مورد اعتمادش اختیار داد تا دفاعیات خود از باور به بازگشت دوباره خداوند و مداخله خداوند برای پاسخگو نگه داشتن انسان‌ها و تجدید خلقت خداوند را به صورت کتبی بیان کند تا به اعتراضات شکاکانی که به دنبال کنار گذاشتن این اعتقادات و بازآفرینی پیام مسیحی هستند پاسخ دهد و بدین ترتیب، حرکت مؤمنان را در مسیر تحولی که پیام انجیل در پی سوق دادن آنها به سوی آن است، حفظ کند. در نهایت، می‌توان ردپای محتوا را در پطرس یافت، هرچند شکل بیان آن تا حد زیادی مدیون دستیار بی‌نام اوست. دوم اینکه یک رهبر مسیحی که دغدغه دفاع از انجیل و مسیر آن را در برابر همین شکاکان دارد، صدای پطرس را زنده می‌کند تا اقتدار خود را در برابر آنها به کار گیرد.

حتی در این سناریو، محتوا اساساً رسولی باقی می‌ماند. تأکید بر دگرگونی شخصیت و اخلاق، که به ویژه با انتظار داوری الهی تقویت می‌شود، به خوبی با شهادت رسولی بزرگتر همسو است. گنجاندن مطالبی از یهودا، رسالتی بودن فصل دوم را تضمین می‌کند.

خاطرات مربوط به تبدیل هیئت و اهمیت آن، هشدارها علیه معلمان نوآور، و اعلام مداخلات نهایی خداوند در زندگی این جهان نیز به وضوح ریشه در سنت رسولان و احتمالاً خود پطرس دارد. هر سناریویی که محتمل‌تر باشد، یک چیز قطعی به نظر می‌رسد. دوم، پطرس دفاعی قوی و شیوا از انجیل رسولان در برابر اعتراض شکاکانی ارائه می‌دهد که می‌خواستند برخی از عناصر آن را که به نظرشان کمتر منطقی و روشنفکرانه است، حذف کنند.

شاگردان واقعی رسولان و مدافعان اعلامیه آنها، در هر نسلی از تاریخ کلیسا، مجبور بوده‌اند این وظیفه را بر عهده بگیرند. و دوم پطرس عناصر و استراتژی‌های متعددی را الگو قرار داده است که از آن زمان تاکنون در هر دفاع مسئولانه و موفق از انجیل رسولان گنجانده شده است. او اعتراضات مطرح شده توسط شکاکان نسبت به ایمان را می‌شنود و پاسخ‌های منطقی و قانع‌کننده‌ای برای آنها تدوین می‌کند که ریشه در سنت کتاب مقدس و مکاشفه آن از شخصیت خدا دارد.

او پیامدهای اخلاقی پیروی از انجیل اصلاح‌شده و همچنین پایداری در چارچوب‌های انجیل رسولی را شرح می‌دهد و نشان می‌دهد که چرا مسیر دوم هم شریف‌تر و هم سودمندتر است. و او به انجیل رسولی بیانی تازه می‌دهد، به گونه‌ای که به دغدغه‌ی اساسی که در وهله‌ی اول جایی برای نسخه‌ی نوآور انجیل ایجاد کرده بود، پاسخ می‌دهد. در این مورد، تدوینی از انجیل که می‌تواند به عنوان یک فلسفه‌ی معقول و مولد فضایل شناخته‌شده، جایگاه خود را حفظ کند.

خلاصه اینکه، در رساله دوم پطرس، ما شاهد تولد دفاعیات هستیم. رساله دوم پطرس، چشم‌انداز قانع‌کننده‌ای برای زندگی مسیحی بین رستگاری و نجات نهایی ارائه می‌دهد. او دو نقطه قطب‌نما را محکم در ذهن ما تثبیت می‌کند.

اولی، رستگاری ما توسط عیسی مسیح است، بخشش گناهان ما که با چنین بهایی برای پسر خدا به دست آمد. دومی، انحلال آسمان‌ها و زمین کنونی توسط همان کلام خداست که همه چیز را در وهله اول خلق کرد، و ظهور همه ما و هر آنچه که با زندگی‌هایی که خدا به ما داده است، در برابر نگاه موشکافانه خدا انجام داده‌ایم. او به ما دستور می‌دهد که مسیر خود را در این زندگی، روز به روز و هر روز، با اشاره به این دو نقطه ثابت، هدایت کنیم.

با یادآوری پاکي خود از گناهان گذشته، ما همچنان در زندگی جدیدی که عیسی برای ما گشوده است، در مسیر رشد در فضیلت، همانطور که نویسنده در فصل ۱، آیات ۳ تا ۱۱ پیش روی ما قرار می‌دهد، به پیش می‌رویم و میوه‌ای را به بار می‌آوریم که عیسی برای آن خون خود را بر خاک زندگی ما پاشید. با در نظر گرفتن آینده‌ای که در آن پاسخگویی تمام بشریت در برابر خدا آشکار خواهد شد و خدا خلقت جدیدی را آماده می‌کند که در آن عدالت خانه‌ای خواهد داشت، ما همچنان در زندگی جدیدی که عیسی برای ما گشوده است، در مسیر رشد در فضیلت که در آن آینده با تأیید خدا روبرو خواهد شد، به پیش می‌رویم. و دوم پطرس کلمه‌ای بسیار مهم برای بسیاری از مسیحیانی است که فکر می‌کنند اقرار به ایمان، تمام و کمال مسیر رهایی است که خدا برای شنیدن آن گشوده است.

دوم اینکه، پطرس، مانند پولس، مانند یعقوب، مانند خود عیسی، به ما یادآوری می‌کند که ایمان آوردن ما معادل اعتماد به کسی است که وعده می‌دهد ما را هدایت کند و ما را برای مسیری که به ایمنی نهای، به رستگاری منجر می‌شود، توانمند سازد، اگر ایمان داشته باشیم که تا آخر از او پیروی کنیم.